

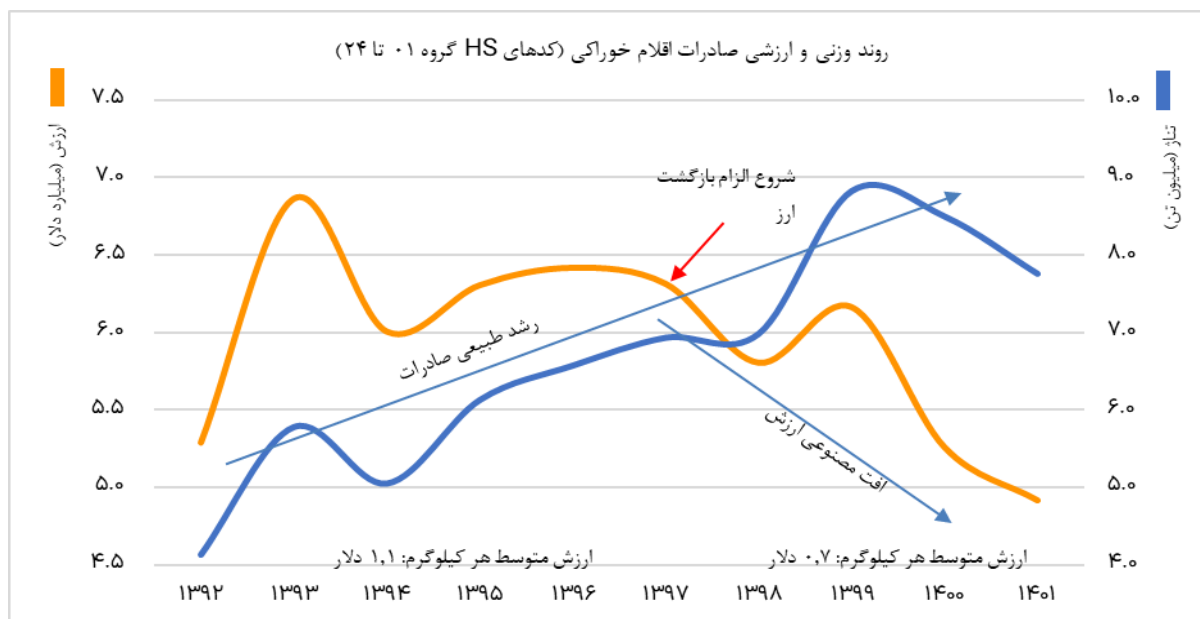
## نظام پرداخت غیر رسمی؛ مهمترین مانع مدیریت بازار ارز<sup>۱</sup>

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های فضای ارزی کشور پیش و پس از تحریم‌های دهه ۹۰، دسترسی ایران به نظام پرداخت بین‌المللی است. شفافیت اسناد رسمی خرید و فروش در قالب مبادله بانکی و نظام پرداخت رسمی، موجب می‌شد ارزش ابرازی کالا در گمرک قابل اعتنا و امکان خلاف اظهاری حداقلی باشد. اما پس از تحریم‌ها با انتقال عمده فعالیت تجاری و منابع ارزی ایران به شبکه‌های تراستی، شفافیت گذشته از بین رفت و امروزه در اغلب موارد، ارزش کالاهای صادراتی و وارداتی بصورت بخشنامه توسط گمرک تعیین می‌شود. به دلیل وجود سیاست تخصیص ارز واردات با نرخ تثبیتی و الزام به بازگشت ارز صادرات با این نرخ، کم اظهاری صادرات و بیش اظهاری واردات فراگیر و بسیاری از منابع ارزی چرخه حقیقی تجارت از دسترس بانک مرکزی خارج شده و یک «نشستی ارزی مستمر» ایجاد کرده است. علاوه بر این، هزینه‌های انتقال ارز در بستر نظام پرداخت غیررسمی (تراستی) هزینه‌های تجارت را افزایش داده است.

### بیان مسأله

از آنجایی که به طور معمول کشورها صادرات را تشویق می‌کنند و از واردات مالیات می‌گیرند، در صادرات تمایل به بیش اظهاری و در واردات تمایل به کم اظهاری وجود دارد. اما برخی سیاست‌ها همچون «الزام به رفع تعهد ارزی صادرکنندگان با نرخ تثبیتی» در سال‌های اخیر این انگیزه‌ها را معکوس کرده است. در شرایطی که نرخ ارز با بازار غیررسمی فاصله دارد، صادرکنندگان تمایلی برای بازگشت ارز از مسیر رسمی ندارند.

در این میان، تعیین میزان تعهد ارزی صادرکنندگان نیز به راحتی میسر نیست. زیرا در شرایط نظام پرداخت غیررسمی که خود اظهاری ملاک است، قاعدتاً همه تمایل خواهند داشت تا کمترین ارزش را برای کالای خود تعیین کنند و در شرایط غیر خوداظهاری نیز، عملاً نمی‌توان قیمت دقیقی برای کالاهای صادراتی تعیین کرد. ارزش‌گذاری کالاهای صادراتی توسط گمرک برای برخی کدهای تعرفه فاصله زیادی با واقعیت دارد. به طور مثال در کالاهای حوزه کشاورزی، صنایع غذایی، بهداشتی، مصالح ساختمانی و برخی دیگر از اقلام صادراتی، ارزش اظهارنامه‌های گمرکی با ۳۰ تا ۴۰ درصد تورش مواجه است.



<sup>۱</sup> تهیه شده توسط محمد محمدی کارشناس گروه پول و بانک اندیشکده اقتصاد مقاومتی؛ مرداد ۱۴۰۳ (دارای منابع و تحقیقات پشتیبان)



نمودار فوق مقادیر وزنی و ارزشی اقلام خوراکی صادر شده طی دهه اخیر را طبق گزارش گمرک نشان می‌دهد. صادرات اقلام خوراکی طی یک دهه گذشته از نظر حجمی با رشد طبیعی تدریجی همراه بوده و از ۴ میلیون تن به ۸ میلیون تن رسیده است. با این حال از سال ۱۳۹۷ و با آغاز سیاست الزام بازگشت ارز به نرخ تثبیت شده و دارای فاصله از نرخ غیررسمی، این صادرات به لحاظ ارزشی دچار افت شده و در پایان دهه به میزانی کمتر از سال ۱۳۹۲ رسیده است.

## تحلیل

هرچند نمی‌توان این موضوع را انکار نمود که بعد از تحریم‌ها، بهای واقعی فروش برخی محصولات به دلیل کاهش دسترسی به بازارهای بین‌المللی، ارائه تخفیف و حضور واسطه‌ها دچار افت شده و کمتر از قیمت میانگین جهانی قرار می‌گیرد، اما اصلی‌ترین دلیل پدیده «همزمانی افت ارزش و رشد حجم صادرات» عدم ثبت ارزش واقعی کالا در اظهارنامه است. در چنین شرایطی، صادرکنندگان عمدتاً میزان صادرات خود را کمتر از واقعیت گزارش می‌دهند (تا ارز کمتری عرضه کنند) و واردکنندگان نیز میزان واردات خود را بیش از واقعیت گزارش می‌دهند (تا ارز بیشتری دریافت کنند). این اختلاف، عدد قابل توجهی ایجاد می‌کند و به نوعی «خروج سرمایه» محسوب می‌شود. در واقع حتی اگر پیمان سپاری و رفع تعهد ۱۰۰ درصد هم اجرا شده باشد، ارز پیش از اینکه گزارش شود، از چرخه دسترسی بانک مرکزی خارج می‌شود.

به طور مثال تا پیش از سال ۱۳۹۷ قیمت پسته ایران تفاوت چندانی با میانگین جهانی و پسته آمریکا نداشته و هم‌روند بودند، اما بعد از وضع مقررات رفع تعهد ارزی و در نتیجه ارزش‌گذاری بخشنامه‌ای گمرک، ناگهان میانگین ارزش پسته ایران از ۸۰۰۰ دلار بر تن به ۶۰۰۰ دلار کاهش یافته است. این در حالی است که میانگین قیمت پسته صادراتی ایران در گزارش‌های گمرک طرف مقابل تغییری نکرده است. با توجه به صادرات متوسط ۱۰۰ هزار تنی پسته در سالهای اخیر، افت ارزش ۲۰۰۰ دلاری ناشی از ارزش‌گذاری گمرکی پس از سال ۹۷ موجب تفاضل ۲۰۰ میلیون دلاری در ارزش اظهار شده با ارزش واقعی است. به‌طور میانگین صرفاً در ۶۰ قلم کالای پر فروش خوراکی و غیر خوراکی مورد بررسی، این افت ارزش ۳۰ تا ۴۰ درصدی قیمت پایه از سال ۱۳۹۷ مشاهده می‌شود که با در نظر گرفتن متوسط وزن صادراتی هر قلم طی سالهای اخیر، معادل ۴ میلیارد دلار کم اظهاری در آمار صادرات این اقلام است.

در این وضعیت، مسئله اصلی کشور «تثبیت و کاهش نرخ ارز» نیست؛ چرا که باعث می‌شود به دلیل اختلاف میان نرخ رسمی و غیررسمی ارز، خروج سرمایه مبتنی بر نظام پرداخت غیررسمی بیشتر شود. لذا حتی در شرایطی که منابع ارزی موجود باشد، این کار اصلاً توصیه نمی‌شود و خروج سرمایه را تشدید می‌کند. خروج سرمایه نیز در شرایط فعلی به دلیل نظام پرداخت غیررسمی، قابلیت جلوگیری ندارد و منجر به هدررفت منابع ارزی کشور می‌شود.

## راهبردهای پیشنهادی

مهمترین اقدام برای رسمیت بخشی به نظام پرداخت کشور در شرایط تحریم «انطباق نقشه ارزی و تجاری» و بهره‌برداری از زیرساخت‌های جایگزین بانکی برای نظارت و کنترل مبادلات ارزی به جای شبکه تراسی است. در واقع اگر بنا باشد یک کار برای مدیریت وضعیت ارزی کشور، کاهش نوسانات و دلارزدایی در دستور قرار گیرد، همین اقدام راهبردی است. منظور از انطباق نقشه ارزی و تجاری کشور آن است که تجارت کشور طوری بازطراحی شود که «تراز تجاری» با کشورهای طرف همکاری محقق گردد تا نیاز به انتقال ارز نباشد و حول آن بتوان نظامات پرداخت دوجانبه و رسمی که قابلیت تحریم ندارد، ایجاد کرد. بدین منظور لازم است در کشورهایی که تولید ارز (صادرات) غالب است، برنامه‌ریزی برای مصرف ارز و واردات متناسب شکل بگیرد و در کشورهایی که مصرف ارز (واردات) غالب است، برنامه ریزی تولید ارز و صادرات انجام شود.